



• رضا صائمی

نگاهی به یک فعالیت جاافتاده غیر اخلاقی در فضای مجازی و رسانه ای

جذابیت کاذب فتوشاپ سازی

می‌خورد و به تولید محتوای کاذب و جعلی می‌انجامد که صرفاً به مثابه تمهیدات سودجویانه مورد استفاده قرار می‌گیرد. واقعیت این است که پاپرتزی هم در جهان رسانه‌ای، قواعد و قوانین خود را دارد و در دایره اخلاق حرفه‌ای فعالیت می‌کند.

اما آنچه در شبکه‌های اجتماعی ما به واسطه فناوری‌های نوین دیجیتالی صورت می‌گیرد، نوعی دستکاری در واقعیت است و می‌تواند مصداق فریب افکار عمومی به مثابه جرم هم تعریف شود.

این جعل سازی ها، نه فقط به اعتماد عمومی خدشه وارد می‌کند بلکه زیست فردی سلبریتی‌ها را هم با مخاطره همراه می‌سازد. اگر بخواهیم این رخداد را در یک خوانش کلی تر جامعه شناسانه مورد تحلیل قرار دهیم، باید آن را مصداق از گفتمان ابتدالی بدانیم که متأسفانه بر زیست مجازی ما حاکم شده است و سلامت روایت و سلامت روانی را تهدید می‌کند.

گاهی برخی از این محتواهای ساختگی، مصداق شوخی و کم‌دی است که صرفاً برای خنده و سرگرمی تولید می‌شوند و همه کارکرد آن را می‌دانند؛ مثل شوخی تصویری که چند سال پیش با عباس جدیدی (کشتی‌گیر) در گرفتن عکس سلفی شده بود. اما جعل عکسی که در ارتباط با خبر بیماری ترانه علیدوستی صورت گرفت، نه شوخی کردن با خبر که به شوخی گرفتن خبر و اطلاع رسانی بود که می‌تواند آسیب‌های اجتماعی گزنده‌ای در پی داشته باشد و اخلاق عمومی را در سراسیمگی سقوط قرار دهد. سوءاستفاده از شهرت، فقط توسط افراد مشهور صورت نمی‌گیرد بلکه گاهی با شهرت آنها صورت می‌گیرد و این هشدار است تا بفهمیم در جهان رسانه ای امروز، توجه به اخلاق رسانه ای، ضرورت بیشتری دارد.

می‌افزاید، استفاده برخی از صفحات سینمایی و خبری در اینستاگرام و تلگرام از همین عکس‌ها و اخبار جعلی است که حتی به اخلاق حرفه‌ای خود هم پایبند نیستند و بدون آزمون صحت خبر، به انتشار آن دست می‌زنند. این حجم بالای تولید اخبار و تصاویر جعلی، صرفاً برای جذب فالوور بیشتر و منافع مالی و کاری برآمده از آن صورت گرفته و مصداق از



نمونه‌ای از فتوشاپ و جعل تصویر!

بی‌اخلاقی رسانه‌ای است. زندگی سلبریتی‌ها و کنجکاوی برای کشف رخدادهای آن، در همه جای دنیا وجود دارد؛ اما جعل عکس و خبر برای جلب فالور و دنبال کننده بیشتر را نمی‌توان ذیل فرهنگ هواداری قرار داد. به نظر می‌رسد این سندرم، ناشی از نوعی اختلال عاطفی در بخشی از جامعه ماست که نیازمند توجه هستند. توجهی افراطی که برای جلب نظر دیگران به خود، به جعل خبر دست زده و با خبرسازی‌های کذب، کمبود توجه خود را جبران و ارضا می‌کند. ظهور و گسترش هوش مصنوعی و کاربرد عمومی آن هم بر شدت این سندرم افزوده و شاهد جعل انواع و اقسام عکس و ویدئوهایی هستیم که اغلب با تصویری از سلبریتی‌ها گره

طی هفته گذشته که خبر بیماری «ترانه علیدوستی» در شبکه‌های اجتماعی به اصطلاح ترند و وایرال شده، شاهد انتشار انواع و اشکال عکس‌هایی بودیم که از طریق فوت و فن فتوشاپ یا تمهیدات هوش مصنوعی، او را بر تخت بیمارستان نشان می‌دهد که هر بار یکی از بازیگران یا چهره‌های سرشناس در کنارش ایستاده است.

یکی از مهمترین عکس‌هایی که دستمایه این جعل‌های فتوشاپی قرار گرفته است، مربوط به بستری شدن «الناز شاکردوست» است که ظاهراً سر صحنه یکی از فیلم‌ها مصدوم و به بیمارستان منتقل شده بود و برخی از بازیگران در آن زمان به عیادتش رفته بودند. در یکی از این جعل‌های فتوشاپی، سر ترانه علیدوستی را به جای الناز شاکردوست گذاشتند و سر حمید علیدوستی، پدر ترانه را به جای مهران مدیری! جالب اینکه آنقدر این جعل ناشیانه بود که حتی موهای مهران مدیری را بر صورت پدر ترانه علیدوستی گذاشته بودند و به این نکته فکر نکردند که او لباس زمستانی به تن دارد که با هوای بهاری اکنون همخوانی ندارد. آنچه بر تأسف این سندرم فتوشاپ‌سازی

۸۲



همدل با بیدل

محمد کاظم کاظمی

مذهب و مشرب

عمارت غیر چین دامن صحرا نمی‌باشد ز تنگی‌های مذهب این قدر گل کرد مشرب‌ها

در این یادداشت می‌کوشیم به اجمال، دو موضوع را بیان کنیم. یکی این که در این بیت، ارتباط «عمارت و چین دامن» و از طرفی «مذهب و مشرب» چیست؟ دیگر این که بیدل از «مذهب» و «مشرب» چه برداشتی دارد.

اول به بحث دوم بپردازیم. این را همین ابتدا باید یادآوری کنیم که بعضی کلمات در متون کهن ما از جمله شعر بیدل، آن معنایی را نداشته‌اند که ما برداشت می‌کنیم. امروز ما «مذهب» را در معنی «دین» به کار می‌بریم. مثلاً می‌گوییم: «فالانی یک آدم مذهبی است» و منظور این است که «دین‌دار» است. یا می‌گوییم: «شعر مذهبی»؛ یعنی شعری که حاوی مفاهیم دینی است.

اما در قدیم، «مذهب» بیشتر به معنی طریقه یا فرقه دینی به کار می‌رفته است. تقریباً نزدیک بوده است به معنی «ملت» که آن هم به معنی فرقه بوده است. حالا در کنار این، ما یک «مشرب» هم داریم که در شعر بیدل بسیار مواقع در برابر مذهب قرار می‌گیرد. منظور از مشرب، راه و رسم و طریقت عرفانی و شهودی است.

اگر از معنی لغوی هم بنگریم، «مذهب» مسیر است و «مشرب» آبشخور. آدم‌ها از مسیرهای متفاوت به مقصدهای متفاوت و گاه متضاد می‌رسند. ولی اگر آبشخورهای متفاوت داشته باشند، چندان تضادی در آنها رخ نمی‌دهد. در واقع نیز در بین اهالی مذاهب اسلامی، گاهی نزاع و دعوی بوده، ولی بین فرقه‌ها و مشرب‌های عرفانی و تصوفی، حداقل این که ما این مقدار نزاع نداشته‌ایم. و هم شاید بدین دلیل است که ما تعبیر «وسعت مشرب» را به معنی رواداری و دگرپذیری به کار می‌بریم و بیدل هم خیلی مواقع، مشرب را وسیع می‌داند:

دل مصفا کن، سر از وسعت‌گه مشرب برآر
آینه صیقل زدن سیری است در صحرای ما

و در موارد بسیاری، مشرب را جمع‌کننده نگرش‌ها و رفتارهای متفاوت می‌بیند:

سوختن در هر صفت منظور عشق افتاده است
مشرب پروانه از آتش نداند نور را

حالا ارتباط «صحرا» و «مشرب» هم روشن می‌شود. صحرا دامن فراخ و گشاده‌ای دارد. همه جای آن یکسان است و طی طریق در آن هم آسان:

اهل مشرب از زبان طعن مردم فارغانند
دامن صحرا چه غم دارد ز زخم خاره‌ها؟

حالا بیدل دوست دارد که مشرب صحرا داشته باشد و دور از موانع و دشواری‌ها و آبادی‌ها:

چو صحرا مشرب ما ننگ و حشمت بر نمی‌تابد
نگه دارد خدا از تنگی چین، دامن ما را

در واقع در نظر بیدل، دامن هم وقتی مایه آرامش و فراخ است که از چین‌ها بدور باشد. چون چین دامن خودش دست و پاگیر است. و حالا با این وصف، می‌رسیم به بیتی که در ابتدای کلام دیدیم. می‌گوید همین ساختمان‌ها و عمارت‌ها هم چینی بر دامن این صحرایند. چون ما را درگیر تعلقات می‌سازند. و به همین اعتبار، دامن چین‌دار را به مذهب ارتباط می‌دهد و صحرای صاف و رها را به وسعت مشرب:

عمارت غیر چین دامن صحرا نمی‌باشد
ز تنگی‌های مذهب این قدر گل کرد مشرب‌ها



از سری شوخی‌های فضای مجازی با عباس جدیدی با موضوع گرفتن عکس سلفی!